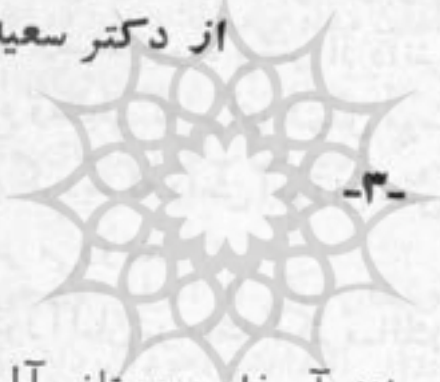


آموزش موسیقی در مدارس آلمان

از دکتر سعید خدیری



نتایج تحقیق دربارهٔ رغبت دانش آموزان دبیرستانی آلمان غربی که مقدمهٔ آن در شماره‌های گذشته بنظر خوانندگان عزیز رسید، بطور خلاصه در این شماره و شماره‌های آینده ذکر میشود. پاسخ اولین سئوالی که از دانش آموزان دربارهٔ اینکه «آیا در مواقع بیکاری به موسیقی گوش میدهند؟» شد، صد درصد مثبت بود.

بخصوص رادیو وسیله‌ای بود که ۹/۹۹٪ دانش آموزان برای شنیدن موسیقی از آن استفاده میکردند. تنها یک نفر از ۷۰۲ نفر دانش آموز مورد آزمایش نوشت که: «هیچگاه برای شنیدن موسیقی از رادیو استفاده نکرده است و منبعد نیز نخواهد کرد».

دانش آموزان دورهٔ متوسطهٔ آلمان تقریباً صبح تا ظهر را در مدرسه تعلیم می‌گیرند و بعد از ظهرها را در محیط خارج از مدرسه بسر می‌برند. با توجه باینکه معمولاً در هر خانه یک دستگاه رادیو یافت میشود و اعضاء خانواده

اغلب آنرا مورد استفاده قرار میدهند، قاعدتاً بر نامه‌های موسیقی نیز خواه ناخواه شنیده می‌شود.

در مقابل ۷/۷٪ از دانش‌آموزانی که برای شنیدن موسیقی فقط از وسایل صفحه و رادیو استفاده می‌کردند، ۳/۸۰٪ دانش‌آموز نوشتند که با وجود استفاده از وسایلی مانند رادیو و صفحه برای استماع موسیقی به اپرا و کنسر نیز می‌روند. دستگاه ضبط صوت و تلویزیون برای شنیدن موسیقی مورد استفاده عده معدودی از دانش‌آموزان قرار می‌گرفت. در مورد انتخاب انواع وسایل مختلف برای شنیدن موسیقی بین پسر و دختر دانش‌آموز تفاوت مشاهده شد، باین معنی که دختران به میزان ۱۷٪ بیشتر از پسران به اپرا و کنسر می‌رفتند و در مقابل در پسران میزان استفاده از وسایلی مانند رادیو و صفحه و ضبط صوت بیشتر از دانش‌آموزان دختر بود. همچنین با مقایسه انواع وسایلی که برای شنیدن موسیقی بکار می‌رفت و مرحله سنی ایشان معلوم گردید که دانش‌آموزان مسن‌تر بیشتر از دوستان جوانتر خود به اپرا و کنسر می‌روند.

در کشور آلمان نیز مانند اکثر ممالک مترقی دیگر میزان عرضه موسیقی در عصر حاضر مخصوصاً از نظر فرستنده های رادیو و دستگاه صفحه زیاد می‌باشد و بدینوسیله انواع موسیقی بگوش افراد می‌رسد و بهمین دلیل در جواب دومین سؤال : « بکدام نوع موسیقی بیشتر علاقمند هستید؟ » دانش‌آموزان چند نوع مختلف را در عین حال ذکر کردند و اصولاً انتخاب یکی از آنها و رجحان یکی بر دیگری برای ایشان دشوار می‌آمد. برای مثال ۳۰٪ ایشان نوشتند که به موسیقی کلاسیک و موسیقی جاز به یک اندازه علاقمند هستند و عده‌ای دیگر به موسیقی کلاسیک و موسیقی رقص و آواز سبک به یک نسبت رغبت نشان دادند. در نتیجه معلوم گردید که موسیقی کلاسیک اغلب بانضمام انواع دیگر موسیقی مورد علاقه و استفاده دانش‌آموزان است و تقریباً ۸۴٪ شاگردان موسیقی کلاسیک را در کنار انواع دیگر موسیقی دوست دارند و در درجه دوم ۵۳٪ دانش‌آموزان از موسیقی رقص و آواز های سبک (که اصولاً جوانان در این مرحله سنی و بیشتر برای رقص نسبت

به آن اظهار علاقه می نمایند) در ردیف انواع موسیقی داخواه خود نام بردند. به موسیقی جاز ۵۲٪ دانش آموزان به همراه انواع دیگر موسیقی علاقه مندند. از موسیقی مدرن فقط ۱۹٪ دانش آموزان در شمار موسیقی مورد رغبت خود یاد کردند و بالاخره عده کمی از دانش آموزان یعنی ۱۵٪ ایشان به موسیقی دوره پیش از کلاسیک اظهار علاقه نمودند.

بامقایسه میزان علاقه و رغبت دانش آموزان به انواع موسیقی در میان دو گروه دختر و پسر چنین نتیجه گرفته شد که هواخواهان موسیقی قدیم و کلاسیک و مدرن در میان دانش آموزان دختر بیشتر از پسران بود، در حالیکه پسران به موسیقی رقص و آوازهای سبک و موسیقی جاز بیشتر رغبت داشتند تا دانش آموزان دختر.

مدارس آلمان نیز مانند اغلب مدارس ممالک دیگر در دوره متوسطه به شعبات مختلفی تقسیم می گردد، از جمله باید دبیرستانهای السنه قدیمه^۱ و دبیرستانهای علوم طبیعی و ریاضی^۲ و دبیرستانهای زبانهای جدید^۳ را نام برد.

در مقایسه ای که درباره رجحان یکی از انواع موسیقی در مدارس گوناگون انجام شد چنین نتیجه داد که دانش آموزان دبیرستانهای السنه قدیمه، موسیقی کلاسیک را بیشتر از دانش آموزان دبیرستانهای دیگر دوست دارند و برعکس موسیقی جاز و رقص در بین دانش آموزان دبیرستانهای طبیعی و ریاضی و زبانهای جدید بیشتر هواخواه دارد. با در نظر گرفتن وضع اجتماعی و خانوادگی دانش آموزان و نوعی از موسیقی که مورد پسند ایشان می باشد معلوم گردید، دانش آموزانی که در خانواده های برجسته و تحصیل کرده تربیت شده اند و مشغله پدران آنها طبابت، مهندسی، معلمی و غیره است، بیشتر به موسیقی جدی و قدیمی و کلاسیک علاقه دارند تا دانش آموزان دیگر از خانواده های کارگر و کارمند جزء. در پاسخ به سؤال دیگر: «چرا نوعی مخصوصی

۱ - Humanistisches Gymnasium

۲ - Mathematisch-naturwissenschaftlichen Gymnasium

۳ - Neusprachlichen Gymnasium

از موسیقی را می‌پسندید و نوعی دیگر را دوست ندارید؟» دانش‌آموزان دلایل متعددی در رد و قبول انواع موسیقی اقامه کردند که ذیلاً نمونه‌ای از آنها ذکر می‌گردد. دربارهٔ ترجیح دادن «موسیقی پیش از کلاسیک» به انواع دیگر موسیقی که فقط ۱۵٪ دانش‌آموزان هواخواه آن بودند، یکی از ایشان چنین نوشت:

«قوة بیان موسیقی قدیم بسیار زیاد است و اصوات پاك آن نوعی رابطه میان انسان و خدا می‌باشد. این موسیقی کاملاً پاك و روحانی است و به انسان آرامش و کمال می‌بخشد.»

در عوض دانش‌آموزی که اصولاً سخت‌تر از موسیقی دوره ماقبل کلاسیک یعنی موسیقی قدیم روی گردان بود نوشت:

«موسیقی قدیم، موسیقی نسل جدید و عهد حاضر نیست و از واقعیت زندگی امروزی بسیار دور می‌باشد. این موسیقی خسته‌کننده است و من همیشه باشنیدن آن بخواب می‌روم. درک این موسیقی برایم امکان ندارد، حتی اگر هزاران بار آنرا بشنوم.»

همانطور که ذکر شد در درجهٔ اول موسیقی کلاسیک مورد ستایش شاگردان بود و ۸۴٪ طرفدار داشت. دربارهٔ علاقمندی به موسیقی کلاسیک و دلیل آن دانش‌آموزی نوشت:

«موسیقی کلاسیک مرا خوشحال می‌سازد و چنان عقده‌ها را از دلم باز می‌کند که می‌توانم اقلاباً برای مدتی کوتاه تمام درد ورنج زندگی‌م را باشنیدن آن فراموش کنم.» دانش‌آموز دیگری در این باره چنین گفت: «محتوی و ریتم و فرم موسیقی کلاسیک «تخیل» را در من زنده می‌کند و تخیل نیز مرا به آرزوهایم میرساند. این موسیقی زبان احساس است و از انواع دیگر خود کامل‌تر است. موسیقی کلاسیک تسلی می‌دهد و زندگی را فرح و امید می‌بخشد.»

پس از اینجا آشکار میشود که گوش دادن به موسیقی کلاسیک برای دانش‌آموزان يك و واکنش جبران‌کننده در مقابل ناکامی‌ها و محرومیت‌های زندگی است. و اما در مورد موسیقی مدرن که جمعاً ۱۹٪ از دانش‌آموزان

هواخواه آن بودند اینطور اظهار نظر شد: « موسیقی مدرن، موسیقی عهد حاضر است و سعی دارد راههای جدیدی در دنیای هنر ایجاد نماید ». اما بطور کلی ۰/۰۸۱ از دانش آموزان، مخالف سرسخت موسیقی مدرن بودند و یکی از ایشان در این باره گفت: « موسیقی مدرن برخلاف موسیقی کلاسیک و موسیقی قدیم، عاری از هارمونی مطلوب می باشد و محتوی آن چیزی جز از اصوات درهم و برهم و گوشخراش نیست. مغلط بودن و پیچیدگی این موسیقی معرف وضع مغشوش و سرسام آورزندگی امروزی است. این موسیقی برای افرادی قابل تحمل است که تمام وقت خود را صرف آموختن هارمونی مخصوص آن بکنند و بالاخره از اینهمه درهم ریختگی اصوات و گسیختگی تنها بتوانند يك ملودی را طی تمام قطعه پیدانمایند و به آن دلخوش باشند. این موسیقی مثل يك ضربه روی مغز فرود می آید و باعث پریشانی و اختلال روانی میگردد. »

درباره برتری موسیقی جاز که ۰/۰۵۲ دانش آموزان طرفدار آن بودند دانش آموزی چنین نوشت:

« موسیقی جاز بخاطر آزادی که نوازنده آن در نواختن دارد جلب توجه مرامیکند. نوازنده در عین حال میتواند آزاد است که خودش بیافریند و کارش تنها به تقلید و نواختن از تنهای معینی محدود نمی شود. موسیقی جاز، موسیقی جوانان مدرن و پرشور است و باهیجان خود احساس و شور جوانی ما را بیان می کند. » و اما در مقابل این عقیده یکی از مخالفین موسیقی جاز در این باره نوشت:

« موسیقی جاز فقط تقلید از اصوات نامأنوس افراد غیر متمدن و وحشی است. این موسیقی از من سلب آسایش و آرامش می کند و باشنیدن آن در خودم احساس جنون و اختلال می کنم. »

درباره موسیقی رقص و آوازهای سبک که در درجه دوم بعد از موسیقی کلاسیک ۰/۰۵۳ دانش آموزان بآن علاقمند بودند یکی از دانش آموزان چنین نوشت: « موسیقی رقص و آوازهای سبک با اشعار خود در رویا مرا به آرزوهایم میرساند و خودم را در آسمان هفتم احساس می کنم. این موسیقی

مانند مواد مخدره مرا تغذیر میبکند و از خود بی خود می شوم و خاطرات خوش
مهمانیهای گذشته و لذتی که از رقصیدن با دوستم در من ایجاد شده بود باز
در من زنده می شود. »

در عوض یکی از مخالفین رقص و آواز سبک در این باره چنین اظهار نظر
کرد: « موسیقی رقص و آواز سبک یک هنر سطحی و بی فایده است و اشعار
و کلمات آواز آن بی معنی و ابلهانه و دور از حقیقت و گمراه کننده است. با
رقصیدن به آهنگ این موسیقی احساسات شهوانی در ما برانگیخته میشود و
روح و روان ما را تباہ می سازد و باعث عقب افتادگی فکری ما می گردد. »
از پاسخ به این سؤال « کدام آهنگساز و رهبر ارکستر و نوازنده و
خواننده را دانش آموزان بیشتر ترجیح میدهند؟ » چنین نتیجه گرفته شد:
در درجه اول آهنگسازان دوره کلاسیک و اجرا کنندگان این آثار در عهد
حاضر مورد علاقه بیشتر دانش آموزان می باشند و برای مثال از بتهوون و
آثار او و درجه دوم از موزار و آثارش بیش از دیگر آهنگسازان نام برده
شد. آهنگسازان موسیقی مدرن چندان مورد پسند شاگردان نیستند و برای
مثال فقط عده معدودی از « ورنراک » و « استراوینسکی » و بقیه آهنگسازان
موسیقی مدرن نام بردند. از میان رهبران ارکستر پیش از همه نام « توسکانی نی »
و « کارایان » و « فورت ونگلر » (چشم میخورد و از میان نوازندگان
« ویلهلم کمپف » و « منوهین » و از خوانندگان نام « ماریا کالاس » و « تبالدی »
بخصوص ذکر شد.

تقریباً ۵۰٪ از دانش آموزانی که مورد آزمایش قرار گرفتند برای
تکمیل معلومات هنر موسیقی خود، شرح حال موسیقیدانان را مطالعه می کردند
و اغلب ایشان دانش آموزان دختر بودند و همانطور به منظور کسب اطلاع
از حوادث و اخبار دنیای موسیقی ۶۵٪ دانش آموزان به ستونهای مخصوص
اخبار موسیقی در روزنامه مراجعه میکردند و باز در خواندن قسمت های هنری
روزنامه ها دانش آموزان دختر رغبت بیشتری نشان میدادند.

۱۹٪ دانش آموزان اظهار کردند که برای افزودن به معلومات موسیقی
خود به مطالعه « پارتیسیون » می پردازند و باز در این مورد دانش آموزان

دختر بر پسر برتری داشتند. دانش آموزان به جمع آوری صفحات موسیقی علاقه شدیدی دارند و بطوریکه آمار نشان داد ۰/۶۹٪ ایشان دارای مجموعه صفحات موسیقی بود و این مجموعه ها با تفاوت کم و بیش شامل انواع صفحات موسیقی می شد. اغلب دانش آموزان فقط به جمع آوری يك نوع مخصوص از صفحات موسیقی اکتفا نکرده، بلکه هر کدام مجموعه خودشان را از صفحات موسیقی قدیم، کلاسیک، رقص، جاز، مدرن و غیره تشکیل داده بودند. در نتیجه معلوم گردید که جمع آوری صفحات موسیقی کلاسیک در درجه اول در میان ایشان رایج است و صفحات موسیقی جاز در درجه دوم و صفحات موسیقی رقص و آواز سبک در درجه سوم. گرد آورندگان صفحات موسیقی قدیم را فقط ۰/۳٪ دانش آموزان تشکیل می دادند و صفحات موسیقی مدرن در این میان به حداقل بود یعنی فقط ۰/۰۲۸٪ از دانش آموزان به گرد آوری این صفحات رغبت کرده بودند.

۰/۷۶٪ از دانش آموزانی که مجموعه صفحه داشتند از خانواده های تحصیل کرده بودند که پدرانشان به طبابت، مهندسی، استادی و غیره اشتغال داشتند و ۰/۲۴٪ بقیه گرد آورندگان صفحه از خانواده های کارگر و اداری با تحصیلات پایین بودند.

نتیجه پاسخ سئوالی که از دانش آموزان درباره شرکت جستن ایشان در محافل جاز (زیرزمین های مخصوص جاز و کنسرت های عمومی) شده همچنین دنبال این تحقیق در شماره های آینده از نظر خوانندگان خواهد گذشت.

